سر ضرب

نمایشگاه سازهای اصلاح شده استاد شجریان

دومین نمایشگاه سازهای ابداعی استاد محمدرضا شجریان از ۲۲ تا ۲۸ شهریور به همت شرکت فرهنگی - هنری دل‌آواز در خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود. این نمایشگاه شامل خانواده صراحی در ۴ اندازه (شاه‌صراحی، صراحی باس، صراحی آلتو، صراحی سوپرانو)، خانواده شهرآشوب در ۴ اندازه (شه‌بانگ، شه‌نواز، شهرآشوب آلتو، شهر آشوب سوپرانو)، سبو، دل و دل در ۲ اندازه (دل و دل آلتو، دل و دل سوپرانو)، خانواده سازهای مضرابی (ساغر، باربد، کرشمه) و سنتورهایی با ساختار جدید و تندر از ساخته‌های شجریان است و پیش از این در کنسرت‌هایی با حضور او درمقام خواننده روی صحنه رفته است. محمدرضا شجریان در گفت‌وگو با روابط عمومی شرکت فرهنگی - هنری دل‌آواز درباره برگزاری این نمایشگاه گفت: «این نمایشگاه ادامه همان نمایشگاهی است که در سال ۱۳۹۰ برگزار شد، با این تفاوت که سازها برای عرضه در دنیای موسیقی و سفارش تولید به نمایش درمی‌آید.» نخستین نمایشگاه «سنتورها و سازهای ابداعی استاد محمدرضا شجریان» با ۱۴ ساز ابداعی و ۱۰ سنتور در اندازه‌های مختلف از ۱۹ تا ۲۳ اردیبهشت‌ماه سال ۹۰ در تالار بهار خانه هنرمندان ایران برگزار شد. در این نمایشگاه سازهای شهرآشوب، صراحی، ساغر، کرشمه، سبو، تندر و ۲ ساز جدید باربد و ارغنون به نمایش گذاشته شد. شجریان درباره سازهای ابداعی خود و اصلاحات آنها پس از گذشت این مدت گفت: «این سازها در ۲ سال گذشته در کنسرت‌ها نواخته شد و در این مدت روی سازها کار کردم تا کیفیت سازها و صدادهی سازها بالا برود.» او با اشاره به استقبال جوانان از سازهای ابداعی خود گفت: «موزیسین‌های جوان از سازهای ابداعی استقبال می‌کنند و هنرمندان قدیمی، به دلیل نگاه‌شان، در استفاده از این سازها با احتیاط برخورد می‌کنند. سازهای ابداعی برای نسل بعد است و آنها از این سازها که امکانات راحت‌تری در نوازندگی دارد، استفاده خواهند کرد.» او در پایان تاکید کرد: «این سازها به‌تنهایی امکانات زیادی دارد، باید به صحنه برود و نوازنده‌ها با آن کار کنند تا به مرور زمان به آن عادت کنند.»

مراسم معارفه علی مرادخانی برگزار شد

اعتماد | مراسم معارفه علی مرادخانی، معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و تودیع حمید شاه آبادی، معاون پیشین امور هنری وزیر ارشاد روز یکشنبه ۱۰ شهریور ماه در تالار وحدت برگزار شد. مراسم تودیع معاون پیشین و معارفه معاون جدید امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صبح روز یکشنبه ۱۰ شهریور با حضور اهالی موسیقی، تئاتر و هنرهای تجسمی و همچنین با حضور علی جنتی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد. جدای از بحث‌های جالب علی مرداخانی نکته جالب این مراسم در تودیع یا به قول وزیر جدید ارشاد تکریم معاونت هنری سابق بود. چیزی حدود ۱۵ دقیقه از مراسم صرف اهدای جوایزی شد که ارگان‌ها و اشخاص مختلف به حمید شاه آبادی اهدا کرده بودند کار به جایی رسید که رییس صنف پوشاک هم به شاه آبادی هدیه داد و این کار حیرت بسیاری را برانگیخته بود ولی از این محیرالعقول‌تر تیزری بود که در پاسداشت معاونت هنری دولت قبلی پخش شد. در این تیزر به این امر تاکید شد که معاونت هنری در ۴ سال گذشته وضعیت ارکسترها را سامان داده! با تمامی اینها مراسم به خیر و خوشی برگزار شد. داوود گنجه‌یی نخستین کسی بود که به عنوان سخنران پشت تریبون قرار گرفت و به نمایندگی از اهالی موسیقی گفت: این مملکت همیشه به این هنر افتخار می‌کند و خوشبختانه آقای وزیر هم خوشبختی هنر و این ملت را می‌خواهد و از دو رویی بدش می‌آید. باید قدر هنرمندان را تا زمانی که زنده‌اند دانست و نسبت به آنها تکریم کرد. در ادامه این مراسم جلیل رسولی نیز به عنوان هنرمند خوشنویس و نماینده بخش هنرهای تجسمی روی سن آمد و مطالباتی را مطرح کرد. در ادامه این مراسم حمید شاه‌آبادی، معاون پیشین امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پشت سن قرار گرفت و گفت: خدا را شاکرم که توفیق داد تا در شکل گیری برگی از تاریخ فرهنگ و هنر کشورم سهیم باشم و در کنار هنرمندان و مدیران این عرصه خدمتی هر چند کوچک انجام دهم. امیدوارم جناب مرادخانی این توفیق را پیدا کند که از این نقطه‌یی که ایستاده‌ایم هنر مملکت را به آنجا که شأن آن است برساند. مرادخانی، معاون هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در این مراسم گفت: امروز به طور رسمی نخستین روزی است که وارد معاونت هنری ارشاد می‌شوم و امیدوارم با همکاری شما عزیزان آن طور که شایسته و بایسته است این وظیفه مهم را به انجام برسانم. وی از زحمات حمید شاه‌آبادی، معاون سابق هنری وزیر ارشاد تشکر کرد و با اشاره به سوابق فرهنگی و هنری وزیر ارشاد ادامه داد: ایشان هیچ‌وقت از حوزه فرهنگ و هنر دور نبوده‌اند به گونه‌یی که عضو نخستین هیات‌مدیره بنیاد رودکی بودند و زمانی که در سفارت کویت حضور داشتند به دعوت ایشان ارکستر ملی برنامه باشکوهی را در این کشور برگزار کرد. من این موارد را عنوان کردم تا شما هنرمندان عزیز بدانید فردی غیر از خودتان به میدان نیامده است. وی افزود: در این سال‌ها یک مقدار در این زمینه غفلت صورت گرفته به طوری که مدیران همان دوره نیز از این مسائل گله دارند. من معتقدم با توجه به رشد سالانه اگر بخواهیم وضعیت هم تراز در وضعیت بودجه و امکانات داشته باشیم باید ۱۰ درصد از کل بودجه به فرهنگ و هنر اختصاص پیدا کند. مدیر موزه موسیقی در ادامه خاطرنشان کرد: در سال ۸۱ که من در مرکز موسیقی ارشاد بودم بودجه ۶۰۰ میلیون تومان بود که در سال بعد به ۹۰۰ میلیون و در سال ۸۳ زمانی که این مرکز را تحویل دادم به ۳ میلیارد رسید و در همان سال نیز بودجه معاونت هنری ۱۸ میلیارد تومان بود که در مقایسه با معاونت سینمایی ۳ برابر بود چرا که این معاونت در سال ۸۳ بودجه ۶ میلیاردی داشت و امسال اگر بخواهیم همین نسبت را داشته باشیم باید معاونت هنری بودجه‌یی ۳ برابر سال ۸۳ داشته باشد. مرادخانی در خاتمه با بیان اینکه شما هنرمندان مشکلات زیادی دارید که باید مفصل به آنها رسیدگی کنیم، اظهار داشت: من به زودی جلساتی را با حضور آقای جنتی با شما خواهم داشت تا بتوانیم به این موارد و مشکلات رسیدگی کنیم. در پایان مراسم تودیع و معارفه معاون هنری ارشاد، علی جنتی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: هم نشینی و حضور با شما عزیزان هنرمند افتخاری است که این روزها نصیب من شده و از این بابت پروردگار را سپاسگزارم و امیدوارم همراه شایسته‌یی برای شما باشم. وی اظهار داشت: هنرمندان هیچگاه نباید در مضیقه مالی باشند بلکه هنرمند ایرانی باید بر تخت عزت و افتخار بنشیند و فارغ از دغدغه‌های مالی برای ایران افتخار بیافریند و نام ایران را پرآوازه کند.

گفت‌وگو با علی قمصری در آستانه کنسرت گروه «همنوازان حصار» در تالار وحدت

وقتی سنت سوار قطار مدرنیسم می‌شود

امیر بهاری - نیوشا مزیدآبادی

عکس: مریم مجد

علی قمصری یکی از معدود موسیقیدانان امروز ایران است که با هر ضرب و زوری که هست کار می‌کند. خیلی پر کار است. در واقع نه بسان هنرمندان هم سلف نسل‌های قبلش که اغلب کارهایشان متمرکز بر بداهه‌نوازی اتفاق می‌افتد بلکه به‌طور مدام آهنگسازی می‌کند و با پارتی تور جدید روی صحنه می‌رود. اینکه تا چه حد موفق بوده یا نه موضوع این گفت‌وگو نبوده ولی کار مدام حتی به رغم آزمون و خطاهای بسیار، در زمانه افسردگی و خمودگی هنرمندان، کاری ستودنی است. ۱۴ و ۱۵ شهریور ماه یعنی پنجشنبه و جمعه پیش رو در تالار وحدت روی صحنه می‌رود و برای نخستین بار در کارنامه کاری خودش چهار زن را به‌عنوان همخوان روی صحنه می‌برد. از آن تجربه‌هایی که حسین علیزاده هم پیش‌تر کرده است و البته علی قمصری در گفت‌وگوی زیر توضیح می‌دهد که این اجرا با تجربه‌های حسین علیزاده چه تفاوتی دارد. علی قمصری و گروه «همنوازان حصار» که حالا همخوان‌هایی هم به آنها اضافه شده، جسارت کرده‌اند و برای تجربه‌یی جدی (فارغ از اینکه موفق یا ناموفق باشد) تالار وحدت را به مدت دو شب در اختیار گرفته‌اند تا به روایت آنچه خودش می‌گوید تجربه متفاوتی را به مخاطبان عرضه کنند. قمصری در این گفت‌وگو برای ما تشریح کرده که به هیچ‌وجه خودش را محصور به قفس موسیقی ردیف نمی‌کند در عین حال که منبع اصلی تغذیه او همین موسیقی ردیف است. هنوز یک ماه از انتشار آلبوم «برف خوانی» او به خوانندگی وحید تاج نمی‌گذرد که او می‌خواهد اثر دیگری را روی صحنه ببرد و به زودی و پس از کنسرت پیش‌رو، آلبوم جدید او با همایون شجریان هم منتشر خواهد شد. علی قمصری یکی از مهم‌ترین آهنگسازان ۱۰ سال اخیر موسیقی ایران است. او با آهنگسازی برای همایون شجریان چهره شد ولی از دلمشغولی خود مبنی برفعالیت و تجربه موسیقی بدون کلام هم دور نماند. گفت‌وگوی ما بیشتر حول ویژگی‌های اجرای پیش‌روی گروه «همنوازان حصار» در تالار وحدت است و ناگزیر گذری بر جهان موسیقایی علی قمصری هم دارد.

■ از آنجایی که شما موزیسین تجربه‌گرایی هستید و در این سال‌ها فضاهای مختلفی را در اجراهای شما دیدیم، آیا کنسرت پیش‌روی همنوازان حصار هم قرار است یک تجربه نو و متفاوت از شما باشد؟ هر چند وقتی خواننده‌های اصلی چهار همخوان زن هستند به نوعی کار تازه‌یی در فعالیت‌های شما به‌حساب می‌آید...

اگر بخواهیم از نظر ساختار صداها این کنسرت را بررسی کنیم از نظر سازبندی و تمرکز بر هم آوایی کار جدیدی نیست. اما اتفاق تازه‌یی که می‌افتد از نظر محتوایی است که من سعی کردم صدای تازه‌یی از این سازها بیرون بکشم. نکته دیگر نوع نگرشم نسبت به این هم آوایی و همراهی صداهای بم و سازهای کوبه‌یی بوده است و اتفاق تازه در این بعد رخ می‌دهد. من اولا سعی کردم کاملا به موسیقی ایرانی وفادار باشم. در ثانی آواهای خانم و آقا به‌عنوان یک رنگ صوتی به سازها اضافه شده‌اند، مثل یک ساز کششی و این‌گونه بخش‌های بی‌کلام قطعه را ساپورت می‌کنند و یک جاهایی هم برعکس، نوازنده‌ها خواننده می‌شوند و کار آکاپلا و گروه به‌طور کلی گروه آوازی می‌شود. از طرفی دیگر ایده تازه دیگری هم در این کار هست؛ نوع موسیقی «چند صدایی» است که من در این نوع موسیقی اعمال کرده‌ام اینکه کمتر دیده شده در یک اثر موسیقایی چند خواننده وجود داشته باشند و ما یک کار چند صدایی از آنها بشنویم. در کارهای آقای علیزاده وجود داشته اما بیشتر جنبه کنترپوانتیک داشته و از تکنیک‌هایی مثل کانن و... استفاده شده. اما در کار من نه، کار کاملا هارمونیک است و فضا کاملا هموفونیک. برای اجرای این کار ما نیاز داشتیم که حتما خواننده‌ها نت‌خوانی‌شان عالی باشد و مدت‌ها پیش از آنکه ما بخواهیم این کار را آماده کنیم فقط روی نت‌خوانی تمرکز کردیم و در جلسات زیادی بدون اینکه بخواهیم رپرتوار تمرین کنیم سعی کردیم یک سری فرهنگ‌های آوازی را در این کار جا بیندازیم. مثلا یکی از فرهنگ‌های منفی‌ای که وجود دارد این است که خواننده‌ها فکر می‌کنند وقتی صدایشان زیر است باید قوی بخوانند و وقتی صدا بم است باید ملایم بخوانند یعنی دینامیک و رنج صوتی در فرهنگ آوازی آمیزش می‌یابد. اشکال دیگری که وجود دارد این است که خواننده‌هایی که به‌صورت سینه به سینه ردیف را آموخته‌اند اشرافی به نت ندارند و باید کار را برایشان ضبط کنیم و براساس کار ضبط شده آنها تمرین را انجام دهند این یک خللی در کار ایجاد می‌کرد که ما سعی کردیم از خواننده‌هایی استفاده کنیم که هر دو مولفه را داشته باشند. چون کار این‌طور ایجاب می‌کرد.

■ شما در سال‌های اخیر تجربه‌های بدون کلامی که انجام دادید در سالن‌های کوچک بوده است و این تلقی برای برخی وجود دارد؛ کنسرتی که خواننده یا لیدر مطرحی ندارد مخاطب را جذب نمی‌کند. چطور شد که این‌بار به تالار وحدت آمدید و سعی کردید در یک سالن گسترده‌تر و بدون خواننده واحد این کار را روی صحنه ببرید؟

زمانی هست که شما سالنی را بر مبنای کیفیت کاری که دارید انتخاب می‌کنید. اما در ایران چنین اتفاقی نمی‌تواند رخ دهد. مثلا من کنسرت رویش را اگر مخاطب خیلی زیادی هم داشتم نمی‌توانستم در یک سالن غیر استاندارد اجرا کنم. اگر بخواهم درباره خواننده معروف صحبت کنم باید بگویم که این واقعیتی است که در ایران به سبب تزریق‌های فرهنگی صدا و سیما و از جمله به‌خاطر محدودیت‌هایی که در نشان دادن ساز دارد، باعث شده که تعدادی خواننده بیشتر دیده شوند. نه اینکه لزوما این خواننده‌ها کارشان کیفیت خوبی داشته باشد. عده‌یی از این خواننده‌ها زیاد دیده شده‌اند و خود به خود این فرهنگ جا افتاده که فلان خواننده مخاطب جذب کن است. من به این قضیه این‌طور نگاه می‌کنم که خواننده‌ها باید مخاطبان را جذب کنند اما موزیسین‌ها هم باید این امکان را داشته باشند که خودشان را محک بزنند و ببینند که می‌توانند به جلو بروند. یعنی همان امتیازهایی که به خواننده‌ها داده می‌شود باید به موزیسین‌ها هم داده شود. من هرگز نمی‌گویم که از خوانندگان امتیازی کسر شود بلکه این ما هستیم که باید خودمان را جلو ببریم. من هم اگر چنین رویکردی را تا امروز دنبال کردم به سبب دغدغه‌های فرهنگی‌ام است و این رویکرد را ادامه می‌دهم تا فرهنگ‌سازی کنم. چون معتقدم کسانی مثل من می‌توانند چنین فرهنگی را به وجود بیاورند چون من تا حدی از آب و گل درآمده‌ام و می‌دانم کاری که انجام می‌دهم دست آخر از نظر مالی ضرری ندارد. بنابراین بخشی از تمرکزم باید روی این فرهنگ‌سازی و آن کارهایی که می‌خواهم باشد. من به ازای هر کار با کلام یک کار بی‌کلام منتشر کرده‌ام در حالی که لزومی به این کار نبوده و می‌توانستم مثل بسیاری از آهنگسازان سفارش کار از خوانندگانی که جویای نام هستند بگیرم و برای آنها کار کنم. همزمان کمی بعد از این کنسرت آلبوم من با همایون شجریان منتشر می‌شود و فستیوال هایم را هم با علیرضا قربانی خواهم رفت اما من تمرکز خاصی روی این کار دارم و دلیل اصلی اینکه در تالار وحدت اجرا می‌کنیم این است که فکر می‌کنم این کار، این گروه و این ایده پتانسیلش را دارد.

■ شما گفتید این اجرا بر مبنای ردیف است. معمولا کارهای شما به گونه‌یی بوده که به ردیف وابستگی نداشته یا به بیان بهتر در بسیاری از قسمت‌ها شنونده سیر ردیف و گوشه‌ها را گم می‌کند. آیا این اجرا با توجه به اینکه شما اشاره کردید پایبند به ردیف است و با کارهای دیگر شما تفاوت دارد؟

از نظر وفاداری من به ردیف باید بگویم من همیشه این قالب را حفظ کرده‌ام مگر اینکه ویترین و عنوان کارم گویای این باشد که ردیف در این کار نقشی ندارد اما کاری که من می‌کنم این است که خودم را در قفس ردیف زندانی نمی‌کنم و دست به تکرار و بیان دوباره ردیف موسیقی ایرانی نمی‌زنم. این اصلا به این معنا نیست که من از ردیف استفاده نمی‌کنم. از طرف دیگر تکنیک نوازندگی هم چیزی نیست که به ردیف آسیبی بزند. اصولا من خودم را به قفس تکنیک و سرعت هم گرفتار نمی‌کنم. فرم همواره برای من نقش تعیین‌کننده دارد. من در آهنگسازی‌ام اتاق‌های زیبا با معماری بیرونی غلط نمی‌سازم. برایم معماری کلی تعیین‌کننده‌ترین فاکتور موسیقی است.

دیدگاه کلی من در آهنگسازی این است که به آن چیزهایی که داریم وفادار باشیم و آن چیزهایی که در آنها ضعف داریم، را نفی نکنیم. ما اگر در حوزه ریتمیک در موسیقی ایرانی ضعف داریم باید برطرف شود. این ویژگی یا خصلت موسیقی ایرانی نیست که به آن سمت نرفته است. چون ریتم در تمام طبیعت وجود دارد و از یک طرف هارمونی هم همین‌طور. ما با عمودی کردن فضای افقی ملودیک موسیقی‌مان نمی‌توانیم مشکلی داشته باشیم چون ما داریم در سه‌بعد زندگی می‌کنیم

■ نقدهایی پیرامون نوازندگی در ایران وجود دارد و اغلب پیرامون این مطلب است که تکنیکی نواختن باعث از بین رفتن روح موسیقی می‌شود. تلقی شما در این باره چیست و آیا شما خود را یک نوازنده تکنیکی می‌دانید؟

در درجه اول باید بدانیم تکنیک یک امتیاز بالقوه است و نباید به‌عنوان یک امتیاز منفی به آن نگاه کنیم. کسانی که متحجر هستند در همان ابتدا به تکنیک مثل یک ویژگی منفی نگاه می‌کنند چون یا قابلیتش را ندارند یا آدم‌های تنبلی هستند. تکنیک در وهله اول یک امتیاز مثبت است ولی در بعد ثانویه باید ببینیم نوازنده از تکنیک خود به چه صورت استفاده کرده است. اگر این نوع استفاده‌اش فقط توصیف این تکنیک و تعریف آن و خود نمایی باشد، کاملا قابل انتقاد است اما نمی‌توانیم بگوییم که نوازنده‌یی که این ویژگی را دارد نباید از آن استفاده کند. من با این مخالفم. کما اینکه تکنیک هم تعریف‌های مختلفی دارد. من حتی معتقدم استفاده درست از سکوت هم نوعی از تکنیک است. تکنیک دایره گسترده‌تری دارد و فقط به سرعت نوازندگی محدود نمی‌شود.

■ موسیقی ردیف دستگاهی ایران یک موسیقی ملودی محور است. در واقع از فضاهای هارمونیک و ریتمیک پرهیز می‌کند. شما آن دسته از آهنگسازانی هستید که سعی کردید با این موسیقی برخورد هارمونیک کنید. یعنی به هارمونیک‌سازی و فضاسازی بسیار اهمیت می‌دهید. کمااینکه در آلبوم برف‌خوانی هم که آخرین اثر شماست فراز و فرودهای مشخصی دارد که به این شکل در موسیقی ایرانی تجربه شده نیست. دیدگاه شما نسبت به فرم در کنسرت پیش‌رو چگونه است؟

دیدگاه کلی من در آهنگسازی این است که به آن چیزهایی که داریم وفادار باشم و آن چیزهایی که در آنها ضعف داریم، را نفی نکنیم. ما اگر در حوزه ریتمیک در موسیقی ایرانی ضعف داریم باید برطرف شود. این ویژگی یا خصلت موسیقی ایرانی نیست که به آن سمت نرفته است. چون ریتم در تمام طبیعت وجود دارد و از یک طرف هارمونی هم همین‌طور. ما با عمودی کردن فضای افقی ملودیک موسیقی‌مان نمی‌توانیم مشکلی داشته باشیم چون ما داریم در سه‌بعد زندگی می‌کنیم. همین هم باید در موسیقی ما نمود پیدا کند. نمی‌توانیم بگوییم ایرانی‌ها در دو بعد زندگی می‌کنند بنابراین موسیقی‌شان دوبعد دارد و اروپایی‌ها در سه‌بعد. همان‌طور که نسل‌های قبل ما با ریتم‌های لنگ مقابله می‌کردند اما امروزه ما نمونه‌های صوتی خوبی داریم که ریتم‌شان لنگ است و این ریتم پذیرفته شده است. خیلی از ملودی‌های ماندگار ما ریتم لنگ دارد. ردیف در هیچ جا با ریتم مقابله نکرده و ریتم‌های خلاقانه‌یی در آن وجود دارد و می‌توان به ردیف به‌گونه‌یی نگاه کرد که برایمان تنها مسیری را مشخص کند و خودمان تصمیم بگیریم چطور در این زمین قدم برداریم.

■ در آخرین کنسرتی که از شما دیدیم نوازنده‌های شما از بهترین‌های موسیقی ایران بودند اما یک قسمت‌هایی از کار مسیر اصلی ملودی گم می‌شد و مخاطب نمی‌توانست در ذهنش ساختار ملودی را دنبال کند آیا تاکید شما بر هارمونیزه کردن موسیقی ایرانی، بر ساختن ملودی تقدم پیدا نکرده است؟

شاید چنین باشد اما من با این مساله مقابله نمی‌کنم چون اگر کارهای آهنگسازانی چون استراوینسکی، واگنر و... را بشنوید دیگر ملودی‌ای در آن پیدا نمی‌شود. اینکه ما این اندازه ملودی‌گرا هستیم فضای موسیقی کشورمان است. باید جا بیفتد که بتوانیم همزمان چند ملودی را با هم گوش کنیم. وقتی این تبدیل به عادت شود، می‌توانیم لذت بیشتری ببریم. این غلظت در کنسرت تازه ما کمتر است چون می‌خواهم به مخاطب بیشتر نزدیک شوم و شعر را محکم‌تر دریافت کند.

■ در این اجرا از چه اشعار و چه دستگاه‌هایی استفاده کرده‌اید؟

اشعار شاملو، گروس عبدالملکیان، اخوان ثالث، محمد علی بهمنی و ابتهاج که بیشتر در آواز شوشتری و ابوعطا اجرا شده‌اند.

■ در قرن بیستم به‌تبع دیگر هنرها، نوعی آهنگسازی به وجود آمد که در آن ریتم‌های متعددی به صورت کلاژگونه کنار هم قرار می‌گرفتند و مخاطب باید با کنار هم گذاشتن این موتیف‌های مختلف به یک کلیت و جمع‌بندی نهایی در ذهن خود دست پیدا می‌کرد...

منظور شما فرم آهنگسازی موزاییکی است.

■ بله، این‌گونه هم می‌توان آن را تعریف کرد. به‌نظر می‌آید از فرم‌های مورد علاقه شما در آهنگسازی است.

یکی از تکنیک‌هایی که من در آهنگسازی از آن استفاده می‌کنم، همین است. مثلا در «برف خوانی» خیلی به کمک من آمد. ولی بیشتر این مفهوم موسیقایی مدنظرم است که مرا هدایت می‌کند تا از چه تکنیکی استفاده کنم. تکنیک مرا به سمت مفهوم نمی‌برد. نکته جذاب شرق برای موسیقیدانان غربی همین «مفهوم گرایی» است. آنها از جزء شروع می‌کنند و به کل می‌رسند ولی در شرق یک کلیت مطرح است و از کل به جزء می‌رسند. من در کارم به هر دو وجه توجه می‌کنم. حالا تا چه حد موفق بودم این در آینده مشخص می‌شود.

■ شما در حین تدریس کردن این مسائل را هم مدنظر دارید و به شاگردان‌تان منتقل می‌کنید؟

بله.

■ این موضوع چیزی است که کمتر توسط اساتید قدیمی به شاگردان آموخته می‌شود. با این مساله مشکل ندارید که درباره شما این بحث به وجود بیاید که نسل جدیدی را تربیت می‌کنید که امکان دارد به ردیف پشت کنند؟

امکان دارد این بحث‌ها به وجود بیاید، حس کرده‌ام که مخالفت‌هایی هم وجود دارد اما مساله مهم این است که آدم به کارش ایمان داشته باشد. من برای این کنسرت خواننده‌های زیادی را دیدم. خواننده‌هایی را دیدم که وقتی روی صندلی مقابلم می‌نشستند و آواز می‌خواندند بسیار لذت می‌بردم و با خودم می‌گفتم این خواننده می‌تواند چه قابلیت اجرایی داشته باشد. وقتی یک نت بسیار ساده به او می‌دادم، نمی‌توانست بخواند. برخی از خواننده‌های بسیار خوب امروز موسیقی ما هم این مشکل را دارند. در صورتی که اگر خواننده یا نوازنده نت‌خوانی بلد نباشد ولی نوازنده یا خواننده بسیار خوبی هم باشد هنوز یک بال ماجرا را دارد و برای پرواز باید به آن دو بال را با هم داد. نکته دیگر اینکه برای عقب نماندن از قطار امروز موسیقی ناگزیر باید چیزهایی مثل همین مساله نت‌خوانی حرفه‌یی را آموخت. در حال حاضر بسیاری از پیشکسوت‌ها هم بدون اینکه اعلام کرده باشند، سوار این قطار شده‌اند و این خیلی ارزشمند است و نباید به آنها گفت شما زمانی حرف دیگری می‌زدید. نکته مهم دیگر این است که ما باید به هنرمندان جوان فضا بدهیم چون در شرایط فعلی و قوانین فعلی آنها به‌سختی بتوانند حتی اجراهای کوچک داشته باشند. مثلا در فرهنگسراها به موسیقی بسته شده است و... قطعه بیز (قطعه‌یی که گروه اگر مورد تشویق زیاد قرار بگیرد روی سن بر می‌گردد و اجرا می‌کند) کنسرت ما را خودمان اجرا نمی‌کنیم تعدادی نوازنده جوان می‌آیند و یکی از قطعه‌های ما را اجرا می‌کنند.

■ پس شما به آنها میدان دادید؟!

خیر، آنها خودشان این میدان را گرفتند.

■ عرصه موسیقی برای جلب مخاطب بیشتر در دورانی که ما در آن زندگی می‌کنیم، عرصه سخت و پررقابتی است. شما به‌عنوان یکی از آهنگسازان مدرنیست امروز ایران که از تجربه‌های پی در پی و حتی از اشتباه کردن هم تا اینجای کار نترسیدید، چه راه‌حلی پیشنهاد می‌کنید تا بشود این نوع موسیقی جدی را به سبد خرید خانواده‌ها اضافه کرد؟

اولا اینکه بخواهیم مخاطب بیشتری جذب کنیم زمان می‌خواهد و به خود جامعه موسیقی ارتباط دارد. اما در این میان نکته‌یی وجود دارد. به من خیلی می‌گویند که اگر پاپ کار می‌کردی، مخاطبان بیشتری داشتی. ما باید نسبی با موضوع برخورد کنیم. ما امکان تبلیغ در صدا و سیما را نداریم.

در صورتی که صدا و سیما بسیار مهم است. مضاف بر اینکه ما امکان تصویری نداریم، صدا و سیما سازهای ما را نشان نمی‌دهد. با این شرایط از یک کنسرت پاپ چهار هزار نفر استقبال می‌کنند و از کنسرت ما ۱۵۰۰ نفر. خب در کشورهای دیگر هم کنسرت پاپ یا راک برگزار شود، امکان دارد یک استادیوم ۱۰۰هزار نفری در نظر بگیرند که پر هم می‌شود ولی برای یک اجرای ارکستر سمفونیک چیزی حدود ۱۰ هزار نفر. چنین تفاوتی وجود دارد چراکه خاستگاه موسیقی پاپ همین است. اگر موسیقی پاپ هرچقدر سطح گرایی‌اش را کم کند، مخاطبانش را هم به همان میزان از دست می‌دهد. مثلا یک خواننده پاپ در ۴۰ کنسرت متوالی یک نوازنده نابینا روی صحنه می‌آورد. آن نوازنده نابینا یک قطعه را اجرا می‌کند و خواننده او را بغل می‌کند و این‌گونه ترحم مخاطب را جلب می‌کند. شما در یک کنسرت موسیقی کلاسیک ایرانی چنین «تکنیکی» را اعمال نمی‌کنید. اگر بگویند این کار ۵۰ هزار مخاطب هم برای شما می‌آورد، بعید می‌دانم یک موزیسین از این جریان، چنین استفاده‌یی بکند.

سلو

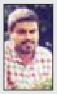
رضا منصور خانکی

برای اسب رام نشدنی موسیقی

بخوان به نام گل سرخ

همه‌چیز از یک استودیو شروع شد؛ استودیو بل، استودیوی آقای موسسیان. همایون شجریان برای ضبط اثری در استودیوی بل بود و همزمان آلبومی دیگر در حال ضبط. شجریان آلبوم را گوش می‌دهد و به آن علاقه‌مند می‌شود، آلبومی که تا آن زمان خواننده‌یی نداشت و آهنگسازش هم اسم و رسمی نداشت. آلبومی که بعدتر با عنوان «نقش خیال» با صدای همایون شجریان منتشر شد و روی آلبوم در کنار نام شجریان، اسمی جدید نقش بسته بود، آهنگساز آن اثر، که در زمان انتشار فقط ۲۲ سال بیشتر نداشت؛ علی قمصری. همایون را خیلی‌ها عامل شهرت قمصری می‌دانند، نه تنها عامل شهرت، برخی حتی پا را فراتر گذاشتند و گفتند اگر همایون نبود، قمصری هم می‌شد مثل خیلی‌های دیگر، ناشناس و ناموفق اما باید این داستان را طوری دیگر روایت کرد، عمیق‌تر و منصفانه‌تر.

همه‌چیز از استودیو بل شروع نشد، داستان از سال‌های قبل شروع شده بود، قمصری دانش آموخته موسیقی بود، جوان بود اما در موسیقی جوانی نکرد و پخته قدم برداشت. اگر نقش خیال با صدای همایون منتشر نمی‌شد، قمصری فقط چند سال دیرتر به موفقیت می‌رسید، پس همایون عامل شهرت او نبود بلکه به این مسیر سرعت بخشید. نقش خیال نقطه شروع کار حرفه‌یی قمصری بود، اما نمودار رشد او کمی با دیگران متفاوت است. او از اوج شروع کرد و نه از صفر و شاید سخت‌ترین چالش زندگی هنری او همین شروع بی‌نظیر بود. انتظارها از او بالا رفته بود و او باید ثابت می‌کرد که نقش خیال چکیده هنر او نبود، بلکه تنها چشمه‌یی بود جاری شده از دریا. در کنار این چالش عمده، یک چالش دیگر پیش روی او بود، چالشی با عنوان سنگین همایون شجریان. قمصری باید هویت مستقل خود را به دیگران ثابت می‌کرد، در کنار هر آلبوم با کلام که از قمصری منتشر شد، یک آلبوم بی‌کلام هم از او منتشر می‌شد؛ «شور پریشانی»، «تنیده در خطوط موازی» و «بدرود با بدرود»، در کنار کنسرت‌های بی‌کلامی همچون «گفت‌وگو» و «رویش» آثاری بودند که در آنها قمصری در مقام مولف، بر آن بود تا بدون تکیه بر کلام و آواز و به پشتوانه چیره‌دستی‌اش در نوازندگی و ذوق و استعدادش در آهنگسازی، شخصیت و هویت مستقل هنری خود را شکل دهد و به‌اثبات برساند.

برای موفقیت در آهنگسازی، آهنگساز ناگزیر در کنار ذوق هنری‌اش، باید ادبیات هم بداند، شناخت خوبی از شعر داشته باشد و جامعه‌اش را به خوبی رصد کند و برای خودش فلسفه هنری داشته باشد، این مولفه‌ها وقتی در نهاد یک نفر شکل گرفته باشد، می‌توان انتظار داشت که آثاری فاخر از او شنید. قمصری همچون مشکاتیان، علیزاده، کلهر و متبسم به این مولفه‌ها مسلح است. نبوغ، بخشی انکار نشدنی از شخصیت هنری قمصری است و این نبوغ وقتی با جسارت جوانی همنشین می‌شود، معجونی می‌شود بس گوارا، از همنشینی گیتار در یکی از قطعات نقش خیال گرفته تا ابداع کوارتت زهی ایرانی توسط قمصری. اما برخورد جامعه هنری، از عوام گرفته تا خواص با او خیلی مهربانانه نبوده، ولی این نوع برخورد خللی در مسیر او ایجاد نکرده است، قمصری برای موسیقی ایرانی نقشه راه دارد، او به هنر فاخر شاهراهی جدید باز می‌کند، گرچه قطعا در این میانه برایش مانع تراشی کرده و خواهند کرد. مهم نیست امروز قمصری را بشناسیم و هنر او را درک کنیم، در ابتدا مهم عزم راسخ او برای تحول است و بعد نگرش آیندگان به هنر او. برای کسی که او را اسب رام نشدنی نامیدند، اعتلای هنر فاخر ایرانی، هدف غایی است.

گزارش

«ترافیک» اشکان خطیبی در خانه هنرمندان

نشست خبری انتشار آلبوم موسیقی «ترافیک» کاری از «اشکان خطیبی» در خانه هنرمندان ایران برگزار شد. به گزارش شبکه خبری هنرمندان، نشست خبری انتشار آلبوم موسیقی «ترافیک»، اثر مشترک از «اشکان خطیبی»، «بهنود فدوی» و «فرشاد حسامی» با حضور خبرنگاران و نمایندگان رسانه‌های جمعی در تالار استاد ناصری خانه هنرمندان ایران برگزار شد. در ابتدای این برنامه سه کلیپ تصویری شامل: مراحل تولید و ساخت این آلبوم، میهمانی معرفی آلبوم «ترافیک» به هنرمندان و همچنین موزیک ویدیویی از این آلبوم با عنوان «قصه دخترېچه و خیابون» در فرمت انیمیشنی برای حاضران به نمایش درآمد. در بخش دیگری از این برنامه «اشکان خطیبی» خواننده و سرپرست گروه به علاقه خود به موسیقی از دوران کودکی اشاره کرد و گفت: «برای من موسیقی از پیش از تولد شکل گرفته بود و بعد از تولد نیز از هفت سالگی با نواختن پیانو دنبال شد، بعد از مدتی نیز به یاد گرفتن ساز دهنی و گیتار پرداختم، سپس از سال ۷۷ با چند گروه موسیقی همکاری کردم، اما بعد از مدتی اعضای این گروه هریک وارد مسیر تازه‌یی شدند و امروز در عرصه موسیقی به صورت حرفه‌یی فعالیت می‌کنند، من نیز تصمیم گرفتم تا آلبومی با ترانه‌های انگلیسی تهیه کنم تا اینکه بعد از دیدار با «بهنود فدوی» آهنگساز و نوازنده گیتار الکتریک و مدتی بعد با «فرشاد حسامی» آهنگساز و تنظیم‌کننده موسیقی الکترونیک، گروه موسیقی «ترافیک» را تشکیل دادیم که این آلبوم نخستین محصول فعالیت گروهی ما است.» «اشکان خطیبی» در ادامه صحبت‌های خود به مضامین به کار رفته در این آلبوم پرداخت و گفت: «در جریان موسیقی پاپ امروز ما که مضامین کلیشه‌یی و تکراری در آن بیداد می‌کند، تصمیم گرفتیم به مضامین تازه‌یی همچون مضامین اجتماعی و شهری بپردازیم؛ چرا که همه ما در این پایتخت زندگی می‌کنیم و هر روز با مسائلی که در آن اتفاق می‌افتد، درگیر هستیم، پرداختن به مسائلی که در کلانشهر اتفاق می‌افتد، اهمیت زیادی دارد و نادیده گرفتن آنها، بی‌توجهی به زندگی هر روزه ما در فضای شهری است، در واقع به عنوان افرادی که در تهران زندگی می‌کنیم، نمی‌توانیم نسبت به موضوعات و مسائل آن بی‌تفاوت باشیم. جای این نگاه تا به امروز در موسیقی ما خالی بود و آلبوم «ترافیک» با تاکید بر مضامین اجتماعی و شهری وارد بازار موسیقی ما شد.» «اشکان خطیبی» در بخش دیگری از صحبت‌های خود به فعالیت این گروه در دو سال گذشته اشاره کرد و گفت: «ما در این دو سال تلاش زیادی کردیم، با آمدن «فرشاد حسامی» به مجموعه به عنوان آهنگساز و تنظیم‌کننده، بیشتر قطعات کار مجددا باز تنظیم و ضبط شد.»